

کتاب شریعت



این کتاب ترجمه ای است از:

[The Book Of the Law / Liber AL vel Legis](#)

NOTE: This is the translation version 0.8

ترجمه: سپند ([Zepand@gmail.com](mailto:Zepand@gmail.com))

نسخه ۰/۸

مرداد ۱۳۸۴



دیکنه شده در:

۸،۹ و ۱۰ آوریل ۱۹۰۴

چاپ اول:

نه ماه قبل از وقوع جنگ بالکان که خاور نزدیک را در هم کوبید، ۱۹۱۲

چاپ دوم:

نه ماه قبل از وقوع جنگ جهانی اول، که غرب را در هم کوبید.

چاپ سوم:

نه ماه قبل از وقوع جنگ چین و ژاپن که خاور دور را در هم کوبید.

چاپ چهارم:

نه ماه قبل از وقوع جنگ جهانی دوم که تمدن را در هم کوبید.

دییاجه ای برای فارسی زبانان

### چنان کن آنچه خواهی، کل شریعت بُود.

این یک کتاب مقدس است که به وسیله فرشته نگهبان مقدس آلیستر کراولی<sup>۱</sup> به وی دیکته شده است (ر.ج. فصل الف).

متن کتاب بسیار صریح است ولی در عین حال درک کامل آن نیازمند دانشی وسیع در حوزه اسطوره شناسی مصر و یونان، کابالا<sup>۲</sup> (علوم رمزی یهود)، جماتریا<sup>۳</sup> (علوم رمزی اعداد کابالا)، نمادشناسی تاروت و فلسفه می باشد.

همانطور که در متن کتاب آمده است تنها فرد موجه برای تفسیر این کتاب شخص استاد اعظم<sup>۴</sup> (آلیستر کراولی) اعلام شده است. (فصل اول، ۳۶). تفسیر کامل در این [آدرس](#) موجود است.

بر پایه این کتاب و تعلیمات آلیستر کراولی، انجمن [Ordo Templi Orientis](#) با اختصار OTO (تاسیس در ۱۱۰۸ میلادی) بنیان خود را بر پایه سیستم مذهبی-جادویی-فلسفی کتاب حاضر، تلمنا<sup>۵</sup> قرار داد. در «توضیح» (ص ۷) می خوانید:

«مطالعه این کتاب ممنوع است. عاقلانه است که این رونوشت پس از اولین خوانش نابود گردد.» گفته می شود هدف از این سخن، جلوگیری از بحث و جدل در مورد مطالب این کتاب می باشد. مطالب این کتاب در بخشهایی آنقدر سمبلیک و جسورانه است که بر آن است تنها ناپیش داورترین پادشاهان آن را درک کنند.

این یک کتاب جادویی است. قرن گذشته شاهد انتشار بسیاری اسرار انجمن های جادویی بوده است و دهه گذشته شاهد انتشار رایگان آنها در اینترنت. این انتشارها خشم بسیاری جادوگران را برانگیخت. ولی همه اساتید اعظم دورانها قلبا از این موضوع خشنودند. ما در سومین و آخرین عصر تحول «انسان» قرار داریم. آنان که می خواهند بدانند.

ما را با رانده و ناشایست کاری نیست: بگذار در محنت خود بمیرند... (فصل دوم، ۲۱)

عشق، شریعت، عشق، خواهش بُود.

سپند

☉ ☽ ☾

مرداد ۱۳۸۴،

July 2005

<sup>1</sup> Aleister Crowley (1875-1947)

<sup>2</sup> Qabalah

<sup>3</sup> Gematria

<sup>4</sup> Master Therion

<sup>5</sup> Thelema

## فصل الف. کتاب

۱. این کتاب بین ظهر و ساعت ۱ بعد از ظهر در سه روز متوالی، هشتم، نهم و دهم آوریل ۱۹۰۴ در قاهره دیکته شد.
- دیکته کننده خود را آیواس<sup>۱</sup> نامید و ادعا کرد «پیشکار هور-پار-کرات» است. یعنی پیغام رسانی از نیروهای حال حاضر حاکم بر زمین، که در ادامه توضیح داده خواهد شد.
- او چگونه می توانست ثابت کند که در واقع موجودی مافوق هر نژاد انسانی است و استحقاق سخن گفتن با چنین اختیاری را دارد؟ واضح است که باید دانش و قدرتی نشان دهد که هرگز هیچ انسانی یافت نشده باشد که آن را در اختیار داشته باشد.
۲. او دانش خود را عمدتاً با استفاده از رمزنگاری در عبارات مشخصی نشان داد که حقایق نهانی را اظهار می دارد. مانند برخی وقایع که هنوز اتفاق نیافتاده بودند به نحوی که امکان نداشته است هیچ انسانی بتواند از آنها آگاهی داشته باشد. بنابراین اثبات ادعای وی در خود دست نوشته موجود است. و مستقل از هر گونه شاهد انسانی است.
- تفسیر این عبارات الزاماً نیازمند منتهای درجه پژوهش بشری است. بخش زیادی همچنان باید بررسی شود. ولی برای توجیه ادعای وی به مقدار کافی یافته شده است. شکاک ترین ادراکات هم مجبور به تصدیق حقیقت هستند.
- این مطلب به بهترین نحو بوسیله استاد اعظم قابل مطالعه است که سالهای پر زحمت او را به بصیرت رهنمون کرده است.
- از سوی دیگر زبان این کتاب به نحو تحسین برانگیزی ساده، روشن و نیرومند است. کسی نمی تواند آن را بخواند و در ژرف ترین اعماق وجودش تاثیر نکند.
۳. بوسیله تاثیر استاد و کتاب آیواس در وقایع حقیقی چیزی بیش از نیروی انسانی نمایان است. این حقایق بوسیله همگان قابل تحسین است ولی با کمک استاد اعظم بهتر فهمیده می شود.
۴. جزئیات کامل دلایل وقایعی که منجر به دیکته این کتاب شد، به همراه رونوشتی از چاپ دست نوشته و مقاله ای از استاد اعظم در *اعتدالین خدایان*<sup>۲</sup> چاپ شده است.

---

<sup>1</sup> Aiwass

<sup>2</sup> Equinox of the Gods, by: Aleister Crowley, The Master Therion.

قابل ایتباع از [www.amazon.com](http://www.amazon.com)  
 نسخه رایگان: <http://www.hermetic.com/crowley/eoftg>

## فصل ب. گیتی

این کتاب شرح گیتی است. عناصر نوت<sup>۱</sup>، وسعت، و هدیت<sup>۲</sup>، هر نقطه ای که تجربه ای از این امکان را دارد می باشند. (این انگاره برای تعارف نوشتاری، بانوت، الهه مصری نماد پردازی شده است؛ زنی خمیده مانند طاق آسمان شب. هدیت به صورت گویی بالدار در قلب نوت نمادپردازی شده است.)

هر واقعه وحدتی از یک واحد به همراه یکی از تجربیات ممکن به آن است. «هر مرد و زنی یک ستاره است»، جمع چنین تجربیاتی است که با هر واقعه نو، همواره در حال تغییر است که وی را خودآگاه یا ناخودآگاه تحت تاثیر قرار می دهد.

بدین رو هریک از ما گیتی خود را دارد ولی هنگامی آن، گیتی هر فرد است که شامل همه تجربیات ممکن شود. این حاکی از توسعه خودآگاهی است تا تمام خودآگاهی های دیگر را دربر گیرد.

در این مقطع، چیزی که شما می بینید هرگز همانند آنچه من می بینم نیست. ما استنباط می کنیم آنها یکسان هستند چراکه تجربه شما در بسیاری نقاط آنچنان بر تجربه من منطبق است که تفاوت های حقیقی مشاهده ما قابل صرف نظر است.

برای نمونه، اگر دوستی از بین ما بگذرد، شما فقط سمت چپ او را می بینید. من سمت راست او را. ولی ما توافق داریم او یک نفر است، اگرچه ممکن است نه فقط در چیزی که از بدن او می بینیم، بلکه در مورد آنچه از کیفیات او می دانیم نیز اختلاف داشته باشیم. هر چه مرتبا او را بیشتر ببینیم و او را بهتر بشناسیم، هم عقیده شدن در این تشابه قوی تر می شود. با این وجود در تمام مدت هیچ یک از ما نمی توانیم چیزی فراتر از عقاید ساخته ذهن خود در مورد او بدانیم.

مطالب بالا تلاش ناپخته ای برای توضیح سیستمی است که همه مکاتب فلسفی را آشتی می دهد.

---

<sup>1</sup> Nuit

<sup>2</sup> Hadit

### فصل ج. شریعت تِلِما<sup>۱</sup>

این کتاب قانون سلوک ساده ای را پوشش می دهد.

«چنان کن آنچه خواهی، کل شریعت بُود.»

«عشق، شریعت، عشق، خواهش بُود.»

«شریعتی فرای چنان کن آنچه خواهی نُبُود.»

این یعنی هر یک از ما ستاره ها می بایست بر مدار خود حرکت کنیم.

---

<sup>1</sup> Thelema لغت یونانی (θελημα) اراده است و ارزش عددی آن با کلمه عشق در یونانی یکسان است.

## توضیح

چنان کن آنچه خواهی، کل شریعت بُود.

مطالعه این کتاب ممنوع است. عاقلانه است که این رونوشت پس از اولین خوانش نابود گردد. هر آنکه بدین بی اعتنایی ورزد، بیم و خطر آن را بپذیرد. که بسیار شوم باشد. آنانکه در مورد مطالب این کتاب گفتگو می کنند بوسیله همه طرد می شوند، همانند کانون طاعون. بر آن است که همه پرسشهای قانون با تمسک به نوشته های من روشن شوند، یک به یک. شریعتی فرای چنان کن آنچه خواهی نبُود.  
عشق، شریعت، عشق، خواهش بُود.

موید امیران،

اَنخ-ف-ن-خُنسو

## فصل اول

1. Had! The manifestation of Nuit.

۱. هد! نمود نوت.

2. The unveiling of the company of heaven.

۲. پرده دری انجمن بهشت.

3. Every man and every woman is a star.

۳. هر مرد و هر زن یک ستاره است.

4. Every number is infinite; there is no difference.

۴. هر عدد نامحدود است؛ تفاوتی نیست.

5. Help me, o warrior lord of Thebes, in my unveiling before the Children of Men.

۵. کمکم کن، ای سرور تیس، در پرده دری در حضور فرزندان انسان.

6. Be thou Hadit, my secret centre, my heart & my tongue!

۶. باش تو هدیت، سر میان من، قلب من و زبان من.

7. Behold! it is revealed by Aiwass the minister of Hoor-Paar-kraat.

۷. هان! آشکار می گردد توسط آیواس، پیشکار هور-پار-کرات.

8. The Khabs is in the Khu, not the Khu in the Khabs.

۸. خابز در خو است، نه خو در خابز.

9. Worship then the Khabs, and behold my light shed over you!

۹. آنگه خابز را عبادت کن، و بر نورم بر تو افکنده بنگر!

10. Let my servants be few & secret: they shall rule the many and the known.

۱۰. بگذار خادمینم قلیل و محرم باشند؛ بیاید حکم رانند بر بسیار و شناخته.

11. These are fools that men adore; both their Gods and their men are fools.

۱۱. اینان نادانانند که انسانها می ستایند؛ خدایانشان و انسانهایشان نادانند.

12. Come forth, o Children, under the stars, & take your fill of love.

۱۲. پیش آید، ای فرزندان، زیر ستارگان و لبریز عشق را بر گیرید.

13. I am above you and in you. My ecstasy is in yours. My joy is to see your joy.

۱۳. من فراتر از شمایم و درون شما. حظ من در از برای شماست.

14.

Above, the gemmed azure is  
The naked splendour of Nuit;  
She bends in ecstasy to kiss  
The secret ardours of Hadit.  
The winged globe, the starry blue,  
Are mine, O Ankh-af-na-khonsu!

۱۴

فرای گوهر لاجورد است،

فرعریان نوت؛

در حظ بوسه خم می شود،

شوق محرم هدیت.

گوی بالدار، آبی ستاره گون،

مال منند؛ ای آنخ-اف-نا-خونسو!

15. Now ye shall know that the chosen priest and apostle of infinite space is the princepriest the Beast; and in his woman called the Scarlet Woman is all power given. They shall gather my children into their fold; they shall bring the glory of the stars into the hearts of men.

۱۵. حال تو خواهی دانست که موبد برگزیده و فرستاده وسعت نامحدود، نیو، امیر-موبد است؛ و در زنت، زن مخملی، همه قدرت نهاده شده. فرزندانم را در حصار خود گرد خواهند آوردند؛ باید که جلال ستارگان را به قلوب انسانها بیاورند.

16. For he is ever a sun, and she a moon. But to him is the winged secret flame, and to her the stooping starlight.



۱۶. که او همواره خورشیدی است، و او<sup>۱</sup> یک ماه. ولی به اوست بارقه رمزی بالدار، و به اوست پرتو نور خمیده.
17. But ye are not so chosen.  
۱۷. ولی تو بدان شکل برگزیده نشدی.
18. Burn upon their brows, o splendrous serpent.  
۱۸. شعله زن بر ابرویشان، ای مار پرشکوه.
19. O azure-lidded woman, bend upon them!  
۱۹. ای زن لاجورد چشم، بر آنان طاق زن.
20. The key of the rituals is the secret word which I have given unto him.  
۲۰. کلید آئینها کلمه ای رمزی است که من بدانها دادم.
21. With the God & the Adorer I am nothing; they do not see me. They are as upon the earth; I am Heaven, and there is no other God than me and my lord Hadit.  
۲۱. به همراه خدا و ستایشگر من هیچم؛ آنها مرا نمی بینند. آنان بر زمینند؛ من بهشت هستم، و خدای دیگری جز من و سرورم هدیت نیست.
22. Now, therefore, I am known to ye by my name Nuit, and to him by a secret name which I will give him when at last he knoweth me. Since I am Infinite Space and the infinite stars thereof, do ye also thus. Bind nothing! Let there be no difference made among you between any one thing & any other thing; for thereby there cometh hurt.  
۲۲. حال، بدانسو، من با نام نوت به تو شناخته شده ام، و به او با نامی رمزی که در غایت که مرا شناخت عرضه خواهم کرد. از آنجا که من وسعت نامحدود هستم و ستاره های نامحدود آن، تو نیز چینی. اسیر هیچ مباش! مگذار تفاوتی بین تو و هر چیز واحد و هر چیز دیگر پدید آید؛ چراکه بدان راه همانا زیان آید.
23. But whoso availeth in this, let him be the chief of all!  
۲۳. ولی هر آنکه از این سود برد، بگذار سالار همگان باشد.
24. I am Nuit, and my word is six and fifty.  
۲۴. من نوت هستم، و کلمه ام شش و پنجاه.
25. Divide, add, multiply, and understand.  
۲۵. بخش کن، جمع کن، ضرب کن و بفهم.
26. Then saith the prophet and slave of the beauteous one: Who am I, and what shall be the sign? So she answered him, bending down, a lambent flame of blue, all-touching, all penetrant, her lovely hands upon the black earth, & her lithe body arched for love, and her soft feet not hurting the little flowers: Thou knowest! And the sign shall be my ecstasy, the consciousness of the continuity of existence, the omnipresence of my body.  
۲۶. سپس گفت پیغامبر و برده یگانه زیبا: من کیم، و نشان چه خواهد بود؟ پس او به وی پاسخ داد، طاق زده، شعله ای ملایم آبی، بسیار اثربخش، بسیار نافذ، دستان دلپذیرش بر بالای زمین سیاه، و بدن نرمش خمیده به مهر، و پای نرمش که زیان نرساند به گلهای کوچک: تو دانستی! و آگاهی از استمرار وجود، حضور بدن من، نشان حظ من خواهد بود.
27. Then the priest answered & said unto the Queen of Space, kissing her lovely brows, and the dew of her light bathing his whole body in a sweet-smelling perfume of sweat: O Nuit, continuous ne of Heaven, let it be ever thus; that men speak not of Thee as One but as None; and let them speak not of thee at all, since thou art continuous!  
۲۷. آنگاه موبد پاسخ داد و به شهپانوی وسعت گفت، با بوسه ای بر ابروان دلپذیرش، و بر ژاله نورش که سراسر بدن وی را در عطر شیرین بوی عرق استحمام می کرد: ای نوت، یگانه مداوم بهشت، بگذار همواره چنین باشد؛ آنان از تو به یک سخن نمی گوید بل هیچ؛ و مگذار ایدا از تو سخن گویند، از آنرو که مداومی!
28. None, breathed the light, faint & faery, of the stars, and two.  
۲۸. هیچ، دم زد نور را، ضعف و پری را، از ستارگان، و دو.

<sup>۱</sup> واژه او در این متن برای اشاره به سوم شخص مفرد مونث به کار رفته است. م.

29. For I am divided for love's sake, for the chance of union.  
۲۹. چراکه من به جهت عشق تقسیم شده ام، برای شانس وحدت.
30. This is the creation of the world, that the pain of division is as nothing, and the joy of dissolution all.  
۳۰. این خلقت عالم است، که درد تقسیم همانند هیچ است، و لذت انحلال همه.
31. For these fools of men and their woes care not thou at all! They feel little; what is, is balanced by weak joys; but ye are my chosen ones.  
۳۱. چراکه این نادانان انسانها و اندوههایشان ابدًا غم تو ندارند؛ آنچه هست، با لذات سست متعادل می شود؛ ولی تو برگزیده منی.
32. Obey my prophet! follow out the ordeals of my knowledge! seek me only! The joys of my love will redeem ye from all pain. This is so: I swear it by the vault of my body; by my sacred heart and tongue; by all I can give, by all I desire of ye all!  
۳۲. اطاعت کن پیغمبر من! مشقات دانش من را به انجام رسان! فقط مرا بجوی! لذات عشق من تو را از همه دردها رهایی می دهد. چنین است: به گنبد بندم قسم می خورم؛ با قلب و زبان مقدسم؛ با هر آنچه می توانم به تو بدهم، به همه شوقی که به همه شما دارم!
33. Then the priest fell into a deep trance or swoon, & said unto the Queen of Heaven; Write unto us the ordeals; write unto us the rituals; write unto us the law!  
۳۳. سپس موبد به خلسه یا ضعف عمیقی رفت و به شهبانوی بهشت گفت؛ مشقات را بر ما بگو؛ آیینها را بر ما بگو؛ شریعت را بر ما بگو!
34. But she said: the ordeals I write not, the rituals shall be half known and half concealed: the law is for all.  
۳۴. ولی او گفت: مشقات را ننویسم، آیینها باید نیمه دانسته و نیمه مخفی باشند: قانون برای همه است.
35. This that thou writest is the threefold book of law.  
۳۵. این که تو می نویسی شریعتی سه گانه است.
36. My scribe Ankh-af-na-khonsu, the priest of the princes, shall not in one letter change this book; but lest there be folly, he shall comment thereupon by the wisdom of Ra-Hoor-Khu-it.  
۳۶. کاتب من، آنخ-ف-ن-خنسو، موبد امیران، نایب است ای کتاب حتی در یک حرف تغییر یابد؛ ولی مبدا نابخردی باشد، در نتیجه وی با دانایی را-هور-خویت تفسیر خواهد نوشت.
37. Also the mantras and spells, the obeah and the wanga; the work of the wand and the work of the sword; these he shall learn and teach.  
۳۷. همینطور ذکرها و اوراد، طلسم<sup>۱</sup> و افسون<sup>۲</sup>، کارکرد عصا<sup>۳</sup> و کارکرد شمشیر را؛ اینها باید بیاموزد و بیاموزاند.
38. He must teach, but he may make severe the ordeals.  
۳۸. او باید آموزش دهد، ولی او باید مشقات را سخت کند.
39. The word of the law is θελημα. (ΘΕΛΗΜΑ)  
۳۹. کلمه شریعت<sup>۴</sup> θελημα است. (ΘΕΛΗΜΑ)
40. Who calls us Thelemites will do no wrong. if he look but close into the word. For there are therein Three Grades, the Hermit, and the Lover, and the Man of earth. Do what thou wilt shall be the whole of the Law.

<sup>1</sup> obeah

<sup>2</sup> wanga

<sup>3</sup> wand

۴۰. آنکه ما را *تلیمایت* بنامد خطا نکرده است. اگر که در کلمه بنگردد بل دقیق. چرا که در آن سه رتبه هست، تارک دنیا، عاشق، و مرد زمین<sup>۱</sup>. چنان کن آنچه خواهی، کل شریعت بُود.
41. The word of Sin is Restriction. O man! refuse not thy wife, if she will! O lover, if thou wilt, depart! There is no bond that can unite the divided but love: all else is a curse. Accursed! Accursed be it to the aeons! Hell!
۴۱. کلمه گناه، محدودیت است. ای مرد! همسرت را رارد مکن، اگر او می خواهد! ای عاشق، اگر تو می خواهی، روانه شو! میثاقی نیست که بتواند جدا شده را یکی کند جز عشق: همه دیگر نفرین است. نفرین شده! نفرین شده باد در اعصار! جهنم!
42. Let it be that state of manyhood, bound and loathing. So with thy all; thou hast no right but to do thy will.
۴۲. بگذار آن حال تکثر بماند، محصور و منفور. پس با همگانتان، تو هیچ حق نداری جز انجام اراده ات.
43. Do that, and no other shall say nay.
۴۳. آن کن، و هیچ دیگری نه نخواهد گفت.
44. For pure will, unassuaged of purpose, delivered from the lust of result, is every way perfect.
۴۴. برای اراده ات، بی تخفیف مقصود، آزاد از شهوت نتیجه، همه ره کمال است.
45. The Perfect and the Perfect are one Perfect and not two; nay, are none!
۴۵. کمال و کمال یک کمال هستند و نه دو؛ نه! هیچند!
46. Nothing is a secret key of this law. Sixty-one the Jews call it; I call it eight, eighty, four hundred & eighteen.
۴۶. هیچ کلید سری این شریعت است. شصت و یک نامندش یهودیان، من آن را هشت، هشتاد، چهار صد و هجده می نامم.
47. But they have the half; unite by thine art so that all disappear.
۴۷. ولی آنها نیمه را دارند؛ یکی با مال تو چنانند که همه ناپدید می شوند.
48. My prophet is a fool with his one, one, one; are not they the Ox, and none by the Book?
۴۸. پیغامبرم در یک خود نادان است، یک، یک؛ گاورنر نیستند آنها، و هیچ در کتاب؟
49. Abrogate are all rituals, all ordeals, all words and signs. Ra-Hoor-Khuit hath taken his seat in the East at the Equinox of the Gods; and let Asar be with Isa, who also are one. But they are not of me. Let Asar be the adorant, Isa the sufferer; Hoor in his name and splendour is the Lord initiating.
۴۹. منسوخند همه آیینها، همه اردالی ها، همه کلمات و نشانهها. را-هور-خویت مسند خود را در شرق در *اعتدالین خدایان* برگرفته؛ و بگذار *اسر*<sup>۲</sup> با *ایسا*<sup>۳</sup> باشد، که همچنان یک هستند. ولی آنان به من منسوب نیستند. بگذار *اسر* ستایشگر باشد، ایسا رنجبر؛ هور در نام و جلالش سرور آغازگر است.
50. There is a word to say about the Hierophantic task. Behold! there are three ordeals in one, and it may be given in three ways. The gross must pass through fire, let the fine be tried in intellect, and the lofty chosen ones in the highest. thus ye have star & star, system & system; let not one know well the other!
۵۰. کلامی در مورد وظیفه کشیش *اعظم* وجود دارد. آگاه باش! سه اردالی در یکی وجود دارند، که ممکن است به سه صورت بیان شوند. ناخالص باید از آتش بگذرد، بگذار آگاهان با توان آزمایش شود، و

<sup>۱</sup> اشاره ایست به نام سه کارت تاروت. م.

<sup>۲</sup> Asar

<sup>۳</sup> Isa

برگزیدگان عالی مرتبه با گزاف تر. پس تو ستاره داری و ستاره، اسلوب و اسلوب؛ مگذار یکی از دیگری به خوبی آگاه باشد!

51. There are four gates to one palace; the floor of that palace is of silver and gold; lapis lazuli & jasper are there; and all rare scents; jasmine and rose, and the emblems of death. Let him enter in turn or at once the four gates; let him stand on the floor of the palace. Will he not sink? Amn. Ho! warrior, if thy servant sink? But there are means and means. Be goodly therefore: dress ye all in fine apparel; eat rich foods and drink sweet wines and wines that foam! Also, take your fill and will of love as ye will, when, where and with whom ye will! But always unto me.

۵۱. چهار دروازه به یک کاخ وجود دارد؛ کف آن کاخ از نقره و طلا است؛ سنگ لاجورد و یشم آنجاست؛ و همه رایحه های نادر؛ یاسمن و گل سرخ، و نشانه های مرگ. بگذار یک به یک یا یکباره وارد چهار دروازه شود؛ بگذار روی کف کاخ بایستد. فرو نخواهد رفت؟ آمن. های! جنگجو، اگر خدمت فرو رود؟ ولی آنجا اسبابها و اسبابهایی هست. آنجا فاخر باش: خود را در رختی نیکو بپوشان. غذاهای غنی بخور و شرابهای گوارا بنوش و شرابهایی که کف می کنند! همچنین، همچنین، لیریز و اراده عشق را برگیر همانگونه که در مکان، زمان و به همراه آنکه تمنا داری اراده می کنی! ولی همواره بر من.

52. If this be not aright; if ye confound the space marks: They are one; or saying, They are many; if the ritual be not ever unto me; then expect the direful judgments of Ra Hoor Khuit!

۵۲. اگر صحیح نبود؛ اگر مبهوت علایم محیط شدی: آنها یکی هستند؛ یا گویی، بسیارند؛ اگر آیین بر من نبود؛ آنگاه انتظار قضاوتهایی مهیب از را-هور-خوت داشته باش!

53. This shall regenerate the world, the little world my sister, my heart & my tongue, unto whom I send this kiss. Also, o scribe and prophet, though thou be of the princes, it shall not assuage thee nor absolve thee. But ecstasy be thine and joy of earth: ever To me! To me !

۵۳. این، جهان را تذهیب خواهد کرد، جهان کوچک خواهر من، قلبم و زبانم، کسی که به او بوسه می فرستم.

54. Change not as much as the style of a letter; for behold! thou, o prophet, shalt not behold all these mysteries hidden therein.

۵۴. اسلوب یک نامه را به هیچ میزان تغییر مده؛ تا آگاه باشی! تو، ای پیغامبر، نمی بایست از همه این رموز مخفی آگاه باشی.

55. The child of thy bowels, he shall behold them.

۵۵. کودک اعماقت، او از آنها آگاه خواهد شد.

56. Expect him not from the East, nor from the West; for from no expected house cometh that child. Aum! All words are sacred and all prophets true; save only that they understand a little, solve the first half of the equation, leave the second unattacked. But thou hast all in the clear light, and some, thou not all, in the dark.

۵۶. او را نه از شرق و نه از غرب توقع نداشته باش؛ چرا که آن کودک از منزل قابل انتظاری نمی آید. آم! تمام کلمات مقدسند و تمام پیغامبران راستین؛ فقط آنانکه اندکی می فهمند را رهایی ده، نیمه اول معادله را حل کن، دوم را یورش نبرده باقی بگذار. ولی تو همه را در نوری روشن داری، و برخی، تو نه همه، در تاریکی.

57. Invoke me under my stars! Love is the law, love under will. nor let the fools mistake love; for there are love and love. there is the dove, and there is the serpent. Choose ye well! He, my prophet, hath chosen, knowing the law of the fortress, and the great mystery of the House of God. All these old letters of my book are aright; but ♁ is not the Star. This also is secret; my prophet shall reveal it to the wise.

۵۷. مرا زیر ستاره هایم طلب کن! عشق، شریعت، عشق، خواهش بود. مگذار ابلهان عشق را اشتباه کنند؛ چرا که آنجا عشق است و عشق. آنجا کبوتر است؛ و آنجا مار است. شماها به خوبی انتخاب کنید! او، پیغامبر

من، انتخاب کرده است، قانون دژ و رمز بزرگ خانه خدا را می داند. تمام این حروف قدیمی کتاب من درست است؛ ولی لاستاره نیست. همچنین این یک سر است؛ پیغامبر من آن را به دانایان آشکار خواهد کرد.<sup>۱</sup>

58. I give unimaginable joys on earth: certainty, not faith, while in life, upon death; peace unutterable, rest, ecstasy; nor do I demand aught in sacrifice.

۵۸. من در زمین لذات غیر قابل تصویری می دهم: قطعیت، نه ایمان، در زندگی، در مرگ؛ صلح به زبان نیاوردنی، سکون، خلسه؛ چیزی به عنوان قربانی طلب نمی کنم.

59. My incense is of resinous woods & gums; and there is no blood therein: because of my hair the trees of Eternity.

۵۹. عطر بخور من چوب صمغی و صمغ است؛ و خونی در آنان نیست: به علت موی من درختان

ابدیت.

60. My number is 11, as all their numbers who are of us. The Five Pointed Star, with a Circle in the Middle, & the circle is Red. My colour is black to the blind, but the blue & gold are seen of the seeing. Also I have a secret glory for them that love me.

۵۹. عدد من ۱۱ است، همانند عدد همه آنانی که از ما هستند. ستاره پنج پر، با دایره ای در میان، و دایره قرمز است. رنگ من در نظر کوران سیاه است، ولی آبی و طلایی توسط بینایان دیده می شود. همچنین من برای آنانی که به من عشق می ورزند جلالی سری دارم.

61. But to love me is better than all things: if under the night stars in the desert thou presently burnest mine incense before me, invoking me with a pure heart and the Serpent flame therein, thou shalt come a little to lie in my bosom. For one kiss wilt thou then be willing to give all; but whoso gives one particle of dust shall lose all in that hour. Ye shall gather goods and store of women and spices; ye shall wear rich jewels; ye shall exceed the nations of the earth in splendour & pride; but always in the love of me and so shall ye come to my joy. I charge you earnestly to come before me in a single robe, and covered with a rich headdress. I love you! I yearn to you! Pale or purple, veiled or voluptuous, I who am all pleasure and purple and drunkenness of the innermost sense, desire you. Put on the wings, and arouse the coiled splendour within you: come unto me!

۶۱. ولی به من عشق ورزیدن از همه چیز بهتر است: اگر زیر ستارگان شب در صحرا تو بزودی عطر بخور مرا در پیشگاهم بسوزانی، با قلبی خالص و جرقه مار در آن، اندکی به خوابیدن در آغوش من خواهی آمد. تو برای یک بوسه آرزو داری همه چیز را بدهی؛ ولی او که یک ذره غبار می دهد در آنوقت همه چیز را از دست می دهد. شماها بایست اسباب و ذخایر زنان و ادویه ها را جمع آوری کنید؛ شماها بایست جواهرات فاخر بپوشید؛ شماها بایست در جلال و غرور از ملل زمین پیشی بگیرید؛ ولی همیشه در عشق به من و بدین سو به لذت من خواهید رسید. از تو مشتاقانه می خواهم در یک قبای واحد به پیشگاه من بیایی، گه با سرپوشی فاخر پوشیده شده باشی. دوستت دارم! مشتاقتم هستم! کم نور یا ارغوانی، محجب یا شهوتران، منی که همه خواهش، ارغوانی و مست درونی ترین احساس هستم، مشتاق توام. بالها را برپوش و جلال پیچیده درونت را بیدار کن: بر من آی!

62. At all my meetings with you shall the priestess say - and her eyes shall burn with desire as she stands bare and rejoicing in my secret temple - To me! To me! calling forth the flame of the hearts of all in her love-chant.

۶۲. در تمام ملاقاتهایم با تو کشیش بانو خواهد گفت - و چشمانش همچنانکه با اشتیاق برهنه ایستاده و سرخوش معبد سری من است - به من! به من! بارقه قلوب همه آنانکه در مناجات عشقش هستند را بروز می دهد.

63. Sing the rapturous love-song unto me! Burn to me perfumes! Wear to me jewels! Drink to me, for I love you! I love you!

۶۳. آهنگ عاشقانه شورانگیز را بر من خوان! عطرهایی بر ایم بسوزان! بر ایم جواهرات بپوش! به من بنوش، چراکه دوستت دارم! دوستت دارم!

<sup>۱</sup> مراجعه کنید به کتاب [Understanding Aleister Crowley's THOTH TAROT](#)، نوشته Lon Milo Duquette، ۲۰۰۳، صفحه ۹۱.م.

64. I am the blue-lidded daughter of sunset; I am the naked brilliance of the voluptuous night-sky.

۶۴. من دختر آبی چشم غروب خورشیدم؛ من درخشندگی عریان آسمان شب شهوانی هستم.

65. To me! To me!

۶۵. به من! به من!

66. The Manifestation of Nuit is at an end.

۶۶. ظهور نوت به پایان می رسد.

1. Nu! the hiding of Hadit.

۱. نو! خفای هدیت.

2. Come! all ye, and learn the secret that hath not yet been revealed. I, Hadit, am the complement of Nu, my bride. I am not extended, and Khabs is the name of my House.

۲. بشتابید! همه شما، و سری را بیاموزید که تا کنون آشکار نشده است. من، هدیت، مکمل نو، عروسم هستم. من توسع نیافته ام، و خابز نام منزل من است.

3. In the sphere I am everywhere the centre, as she, the circumference, is nowhere found.

۳. در گوی، من همه سو مرکز، همانطور که او، محیط، جایی یافت نمی شود.

4. Yet she shall be known & I never.

۴. همچنان او شناخته خواهد شد و من هرگز.

5. Behold! the rituals of the old time are black. Let the evil ones be cast away; let the good ones be purged by the prophet! Then shall this Knowledge go aright.

۵. آگاه باش! آیینهای های زمان دور سیاهند. بگذار پلیدان رانده شدند؛ بگذار نیکان بوسیله پیغامبر پالوده شوند! آنگاه این دانش در صراط مستقیم خواهد رفت.

6. I am the flame that burns in every heart of man, and in the core of every star. I am Life, and the giver of Life, yet therefore is the knowledge of me the knowledge of death.

۶. من بارقه ای هستم که در همه قلوب مردمان می سوزد، و در هسته همه ستاره ها. من زندگی هستم، و دهنده زندگی، آنگاه که دانش من وجود دارد دانش مرگ.

7. I am the Magician and the Exorcist. I am the axle of the wheel, and the cube in the circle. "Come unto me" is a foolish word, for it is I that go.

۷. من جادوگر هستم و صاحب نفس. من محور چرخم، و مکعب درون دایره. «به سوی من آی» لفظ ابلهانه ای است، چرا که منم که می روم.

8. Who worshipped Heru-pa-kraath have worshipped me; ill, for I am the worshipper.

۸. آنکه هور-پا-کرات را پرستید مرا پرستید؛ به خطا، چرا که من پرستنده ام.

9. Remember all ye that existence is pure joy; that all the sorrows are but as shadows; they pass & are done; but there is that which remains.

۹. همه شما به یاد داشته باشید که هستی لذت خالص است؛ که همه غمها تنها سایه هاینده؛ می گذرند و به انجام می رسند؛ ولی آن است که می ماند.

10. O prophet! thou hast ill will to learn this writing.

۱۰. ای پیغامبر! به خطا خواسته ای این مکتوب را بیاموزی.

11. I see thee hate the hand and the pen; but I am stronger.

۱۱. می دانم تو از دست و قلم متنفری؛ ولی من قوی ترم.

12. Because of me in Thee which thou knewest not.

۱۲. به خاطر من در تو که نشناختی.

13. for why? Because thou wast the knower, and me.

۱۳. به چه رو؟ چون تو داننده بودی، و من.

14. Now let there be a veiling of this shrine: now let the light devour men and eat them up with blindness!

۱۴. حال بگذار حجایی از این زیارتگاه باشد: حال بگذار نور مردان را ببلعد و آنان را کور بخورد.

15. For I am perfect, being Not; and my number is nine by the fools; but with the just I am eight, and one in eight: Which is vital, for I am none indeed. The empress and the King are not of me; for there is a further secret.

۱۵. چراکه من کاملم، هیچ هستم؛ و عددم در نظر ابلهان نه است؛ ولی با داد هشتم، و یک در هشت: که حتمی است، چون بی شک نهم. شهبانو و شاه از من نیستن؛ چراکه سر و الاتری هست.

16. I am the Empress & the Hierophant. Thus eleven, as my bride is eleven,

۱۶. من شهبانو و کشیش اعظم هستم. پس یازده، مانند عروسم که یازده است.

17.

Hear me, ye people of sighing!  
The sorrows of pain and regret  
Are left to the dead and the dying,  
The folk that not know me as yet.

۱۷

گوش فرادهید، ای مردم نظاره گر!

غمهای درد و افسوس

برای مردت و مردن باقی گذارده می شوند،

قومی که هنوز مرا نشناخته است.

18. These are dead, these fellows; they feel not. We are not for the poor and sad: the lords of the earth are our kinsfolk.

۱۸. اینها مردگانند، این افراد، احساس نکنند. ما از برای ضعیف و غم آلود نیستیم: سروران زمین خویشاوندان ما هستند.

19. Is a God to live in a dog? No! but the highest are of us. They shall rejoice, our chosen: who sorroweth is not of us.

۱۹. آیا یک خدا/ را زندگی در یک سگ رواست؟ خیر! ولی والاترینان از مايند. می باید شادی کنند، برگزیده ما: آنکه غم می برد از ما نیست.

20. Beauty and strength, leaping laughter and delicious languor, force and fire, are of us.

۲۰. زیبایی و قدرت، خنده بلند بالا خاموشی لذیذ، نیرو و آتش، از ما هستند.

21. We have nothing with the outcast and the unfit: let them die in their misery. For they feel not. Compassion is the vice of kings: stamp down the wretched & the weak: this is the law of the strong: this is our law and the joy of the world. Think not, o king, upon that lie: That Thou Must Die: verily thou shalt not die, but live. Now let it be understood: If the body of the King dissolve, he shall remain in pure ecstasy for ever. Nuit! Hadit! Ra-Hoor-Khuit! The Sun, Strength & Sight, Light; these are for the servants of the Star and the Snake.

۲۱. ما را با رانده و ناشایست کاری نیست: بگذار در محنت خود بمیرند. چراکه احساس نمی کنند. همدردی فساد پادشاهان است: بر رنجور و ضعیف برجسب بزن: این قانون قوی است: این قانون ما و لذت جهان است. فکر نکن، ای شاه، به آن دروغ: که تو باید بمیری: هر آینه تو نخواهی مرد، بل زندگی خواهی کرد. حال بگذار دانسته شود: اگر بدن شاه آب شود، تا ابد در خلسه ناب خواهد ماند. نوت! هدیت! را-هور-خوت! خورشید، قدرت و بینش، نور، اینان برای خادمین ستاره و مار هستند.

22. I am the Snake that giveth Knowledge & Delight and bright glory, and stir the hearts of men with drunkenness. To worship me take wine and strange drugs whereof I will tell my prophet & be drunk thereof! It is a lie, this folly against self. The exposure of innocence is a lie. Be strong, o man! lust, enjoy all things of sense and rapture; fear not that any god shall deny thee for this.

۲۲. من ماری هستم که دانش و شمع و شکوه درخشان می دهد، و قلوب مردمان را با مستی به جنب و جوش در می آورد. برای پرستش من شراب و داروهای غریب را از جایی برگیر که به پیغامبرم خواهم گفت و بدانسو مست باش! این یک دروغ است، این نابرداری در برابر نفس. افشای معصومیت یک دروغ است. قوی باش، ای مرد! شهوت، از همه چیز حس و جذبه لذت ببر؛ نترس که خدایی این را بر تو انکار کند.

23. I am alone: there is no God where I am.

۲۳. من تنهاییم: جایی که هستم خدایی نیست.

24. Behold! these be grave mysteries; for there are also of my friends who be hermits. Now think not to find them in the forest or on the mountain; but in beds of purple, caressed by magnificent beasts of women with large limbs, and fire and light in their eyes, and masses of flaming hair about them; there shall ye find them. Ye shall see them at rule, at victorious armies, at all the joy; and there shall be in them a joy a million times than this. Beware lest any force another, King against King! Love one another with burning hearts; on the low men trample in the fierce lust of your pride, in the day of your wrath.

۲۴. آگاه باش! اینها رموزی خطیر باشند؛ چرا که دوستان من نیز هستند که زاهد باشند. حال فکر نکن آنها را در جنگل یا روی کوه پیدا کنی؛ بل در تختهای ارغوانی، هم آغوش با زنان شکوهمند دیو با بازوان بزرگ، و آتش و نور در چشمانشان، و انبوهی از موی شعله ور در اطرافشان؛ آنجا پیدایشان خواهی کرد. آنان را در خکمرانی خواهی دید، در ارتش پیروزمند، در لذت تمام؛ و در آنان لذتی یک میلیون بار بیش از این باشد. مبادا از هر نیروی دیگر بر حذر باشی، شاه در مقابل شاه! با قلبی سوزان به یکدیگر عشق ورزید؛ بر مردم دون پامال در شهوت درنده غرور شما، در روز غضب خود.

25. Ye are against the people, O my chosen.

۲۵. تو در مقابل مردمی، ای برگزیده ام.

26. I am the secret Serpent coiled about to spring: in my coiling there is joy. If I lift up my head, I and my Nuit are one. If I droop down mine head, and shoot forth venom, then is rapture of the earth, and I and the earth are one.

۲۶. من مار سری چنبره زده آماده به جهشم: در چنبره ام لذت است. اگر سرم را بلند کنم، من و نوتم یکی هستیم. اگر سرم را پایین افکنم، و زهرم را پرتاب کنم، جذبه زمین است، و من و زمین یکی هستیم.

27. There is great danger in me; for who doth not understand these runes shall make a great miss. He shall fall down into the pit called Because, and there he shall perish with the dogs of Reason.

۲۷. خطر بزرگی در من است؛ او که این نشان را در نمی یابد را، فقدان عظیمی حاصل شده است. در گودالی خواهد افتاد که زیر/ نامیده شده است، و آنجا به وسیله سگان دلیل هلاک خواهد شد.

28. Now a curse upon Because and his kin!

۲۸. حال لعنتی بر زیر و خویشانش باد!

29. May Because be accursed for ever!

۲۹. باشد که زیر/ تا ابد ملعون باشد!

30. If Will stops and cries Why, invoking Because, then Will stops & does nought.

۳۰. اگر اراده متوقف شود و فریاد چرا/ برآورد، طلب زیر/ کند، آنگاه اراده متوقف می شود و هیچ نمی کند.

31. If Power asks why, then is Power weakness.

۳۱. اگر قدرت بپرسد چرا، آنگاه قدرت ضعف است.

32. Also reason is a lie; for there is a factor infinite & unknown; & all their words are



skew-wise.

۳۲. همچنین دلیل یک دروغ است؛ چرا که عاملی نامحدود و ناشناخته وجود دارد؛ و همه کلماتشان دانایی اریبی هستند.

33. Enough of Because! Be he damned for a dog!

۳۳. زیرا/ بس است! باشد که آن به یک سگ لعنت شود!

34. But ye, o my people, rise up & awake!

۳۴. ولی شما، ای مردم من، برخیزید و بیدار شوید!

35. Let the rituals be rightly performed with joy & beauty!

۳۵. بگذارید آیینها به درستی با لذت و زیبایی اجرا شوند!

36. There are rituals of the elements and feasts of the times.

۳۶. آیینهای عناصر و ضیافتهای دورانها وجود دارند.

37. A feast for the first night of the Prophet and his Bride!

۳۷. ضیافتی برای اولین شب پیغامبر و عروسش!

38. A feast for the three days of the writing of the Book of the Law.

۳۸. ضیافتی برای سه روز نگارش کتاب شریعت.

39. A feast for Tahuti and the child of the Prophet - secret, O Prophet!

۳۹. ضیافتی برای تاحوتی<sup>۱</sup> و فرزند پیغامبر - سر، ای پیغامبر!

40. A feast for the Supreme Ritual, and a feast for the Equinox of the Gods.

۴۰. ضیافتی برای آیین اعلی، و ضیافتی برای اعتدالین خدایان.

41. A feast for fire and a feast for water; a feast for life and a greater feast for death!

۴۱. ضیافتی برای آتش و ضیافتی برای آب؛ ضیافتی برای زندگی و ضیافتی بزرگتر برای مرگ!

42. A feast every day in your hearts in the joy of my rapture!

۴۲. ضیافتی هر روزه در قلوبتان در لذت جذبه من!

43. A feast every night unto Nu, and the pleasure of uttermost delight!

۴۳. ضیافتی هر شب بر نو، و خواهش اعلی ترین خوشی!

44. Aye! feast! rejoice! there is no dread hereafter. There is the dissolution, and eternal ecstasy in the kisses of Nu.

۴۴. آئی! ضیافت بگیرید! شادی کنید! از این پس بیمی نیست. انحلال است، و خلسه ابدی در بوسه های نو.

45. There is death for the dogs.

۴۵. مرگ است برای سگان.

46. Dost thou fail? Art thou sorry? Is fear in thine heart?

۴۶. و امانده ای؟ متاسفی؟ آیا ترس در قلبت است؟

47. Where I am these are not.

۴۷. آنجا که من هستم نیست.

48. Pity not the fallen! I never knew them. I am not for them. I console not: I hate the consoled & the consoler.

۴۸. افسوس افتاده را مخور! هرگز آنها را نمی شناسم. من برای آنها نیستم. تسلی نمی دهم: از متسلی و متسلا بیزارم.

49. I am unique & conqueror. I am not of the slaves that perish. Be they damned & dead!

Amen. [This is of the 4: there is a fifth who is invisible & therein am I as a babe in an egg.]

۴۹. من یکتایم و پیروز. من از بردگانی نیستم که هلاک می شوند. باشد که ملعون و مرده باشد! آمین. [این از ۴ است: پنجمی وجود دارد که ناپیداست و در آن منم به مانند نوزادی در یک تخم مرغ.]

50. Blue am I and gold in the light of my bride: but the red gleam is in my eyes; & my spangles are purple & green.

<sup>1</sup> Tahuti

۵۰. آبیمن و طلایی در نور عروسم: ولی سوسویی قرمز در چشمانم است؛ و پولکانم ارغوانی و سبزند.
51. Purple beyond purple: it is the light higher than eyesight.  
۵۱. ارغوانی فرای ارغوانی: نوریست فرای دید چشم.
52. There is a veil: that veil is black. It is the veil of the modest woman; it is the veil of sorrow & the pall of death: this is none of me. Tear down that lying spectre of the centuries: veil not your vices in virtuous words: these vices are my service; ye do well, & I will reward you here and hereafter.  
۵۲. حجابیست: آن حجاب سیاه است. این حجاب زن باحیا است؛ این حجاب غم و پارچه تابوت مرگ است: این از من نیست. وهم دروغ قرون را بگسل: گناهانت را در کلمات عقیف مپوشان: این گناهان لوازم منند؛ تو بدرستی عمل کن، و من در این دنیا و آن دنیا پاداشت خواهم داد.
53. Fear not, o prophet, when these words are said, thou shalt not be sorry. Thou art emphatically my chosen; and blessed are the eyes that thou shalt look upon with gladness. But I will hide thee in a mask of sorrow; they that see thee shall fear thou art fallen: but I lift thee up.  
۵۳. مترس، ای پیغامبر، وقتی این کلمات گفته می شوند، نباید که متاسف باشی. تو مواکدا برگزیده منی؛ و مبارکند آن چشمانی که تو با خشنودی بدانها می نگری. ولی من تو را در نقابی از غم پنهان می کنم؛ آنها که تو را می بینند از اینکه تو افتاده ای خواهند ترسید: ولی من تو را بلند می کنم.
54. Nor shall they who cry aloud their folly that thou meanest not avail; thou shalt reveal it: thou availest: they are the slaves of because: They are not of me. The stops as thou wilt; the letters? change them not in style or value!  
۵۴. آشکار نخواهی کرد به آنانکه نابخردی خود را فریاد می زنند، آنانکه فکر می کردی ارزش ندارند؛ آن را آشکار کن: تو سود می رسانی: آنان بردگان زیرا هستند. آنان از من نیستند. مانعان همانطور که می خواهی؛ حروف؟ در اسلوب یا ارزش آنها تغییر مده!
55. Thou shalt obtain the order & value of the English Alphabet; thou shalt new symbols to attribute them unto.  
۵۵. تو باید ترتیب و ارزش الفبای انگلیسی را بدست آوری؛ باید آنها را به نمادهای جدیدی اختصاص دهی.
56. Begone! ye mockers; even though ye laugh in my honor ye shall laugh not long: then when ye are sad know that I have forsaken you.  
۵۶. دور شوید! شما سخره گران، گرچه به احترام من می خندید زیاد نخواهید خندید: سپس وقتی غمگینید می فهمید که من شما را رها کرده ام.
57. He that is righteous shall be righteous still; he that is filthy shall be filthy still.  
۵۷. او که نیکوکار است باید همچنان نیکوکار بماند؛ او که زشت کردار است باید همچنان زشت کردار بماند.
58. Yea! deem not of change; ye shall as ye are & not other. The kings of the earth shall be kings for ever: the slaves shall serve. There is none that shall be cast down or lifted up: all is ever as it was. Yet there are masked ones my servants: it may be that yonder beggar is a King. A King may choose his garment as he will: there is no certain test: but a beggar cannot hide his poverty.  
۵۸. آری! خیال تغییر مکنید؛ شما آنچه هستید خواهید بود و نه دیگری. شاهان زمین باید برای همیشه شاهان بمانند. خادمین باید خدمت دهند. چیزی نیست که مفید فایده نشان داده شود یا ترقی کند: همه همیشه همان است که بود. ولی نقاب پوشانی در خادمین من هستند: ممکن است گدای آنجا یک شاه باشد. یک شاه ممکن است ردایش را انسان که می خواهد انتخاب کند: معیار مشخصی وجود ندارد: ولی یک گدا نمی تواند تنگدستیش را پنهان کند.
59. Beware therefore! Love all, lest perchance is a King concealed! Say you so? Fool! If he be a King, thou canst not hurt him.  
۵۹. باندسان آگاه باش! همه را دوست دار، شاید اتفاقا شاه است پوشیده! تو چنین می گویی؟ نادان! اگر شاه باشد، نمی توانی به او صدمه بزنی.
60. Therefore strike hard & low, and to hell with them, master!

۶۰. بدانرو سخت و اندک ضربت زن، و با آنها به دوزخ، استاد!
61. There is a light before thine eyes, o prophet, a light undesired, most desirable.  
۶۱. نوری در برابر چشمانت هست، ای پیغامبر، نوری ناخواسته، خواستنی ترین.
62. I am uplifted in thine heart; and the kisses of the stars rain hard upon thy body.  
۶۲. متعالَم در قلب تو؛ و باران بوسه های ستارگان بر بدنت شدید فرو می ریزند.
63. Thou art exhaust in the voluptuous fullness of the inspiration; the expiration is sweeter than death, more rapid and laughterful than a caress of hell's own worm.  
۶۳. تو در غنای الهام شهوتران از پای در آمده ای؛ انقضاء، شیرین تر از مرگ، سریعتر و تبسم بخش تر از دلجویی جهنم خودخوری فرد است.
64. Oh! thou art overcome: we are upon thee; our delight is all over thee: hail! hail!  
prophet of Nu! prophet of Had! prophet of Ra-Hoor-Khu! Now rejoice! now come in our splendour & rapture! Come in our passionate peace, & write sweet words for the Kings!  
۶۴. اوه! تو فائق آمده ای: ما بر فراز تویم؛ خوشی ما سراسر بر تو گسترده است: درود! درود! پیغامبر نو!  
پیغامبر هد! پیغامبر را-هور-خو! حال شادی کن! حال در جلال و جذبه ما آی! در آرامش سودایی ما آی و کلماتی شیرین بر ای شاهان بنویس!
65. I am the Master: thou art the Holy Chosen One.  
۶۵. من استاد هستم. تو آن برگزیده مقدس هستی.
66. Write, & find ecstasy on writing! Work, and be our bed in working! Thrill with the joy of life & death! Ah! thy death shall be lovely: whoso seeth it shall be glad. Thy death shall be the seal of the promise of our agelong love. Come! lift up thine heart & rejoice!  
We are one; we are none.  
۶۶. بنویس و خلسه نوشتن را دریاب! کار کن، و در کار بستر ما باش! از لذت زندگی و مرگ به هیجان آی! آه!  
مرگ تو دوست داشتنی خواهد بود: هر آنکه آن را ببیند خرسند خواهد بود. مرگ تو مهر و عده عشق گسترده در اعصار ما خواهد بود. بیا! قلبت بردار و شادی کن! ما یکی هستیم؛ ما هیچیم.
67. Hold! Hold! Bear up in thy rapture; fall not in swoon of the excellent kisses!  
۶۷. تاب آر! تاب آر! در جذب خود تحمل تام داشته باش؛ در ضعف بوسه های متعالی سقوط مکن!
68. Harder! Hold up thyself! Lift thine head! breathe no so deep - die!  
۶۸. سخت تر! خود را نگاه دار! سرت را بلند کن! آنچنان عمیق نفس مکش - بمیر!
69. Ah! Ah! What do I feel? Is the word exhausted?  
۶۹. آه! آه! چه احساس می کنم؟ آیا کلمه تهی شده است؟
70. There is help & hope in other spells. Wisdom says: be strong! Then canst thou bear more joy. Be not animal; refine thy rapture! If thou drink, drink by the eight and ninety rules of art: if thou love, exceed by delicacy; and if thou do aught joyous, let there be subtlety therein!  
۷۰. در اوراد دیگر کمک و امید هست. معرفت می گوید: قوی باش! آنگاه می توانی لذت بیشتر را تاب آوری.  
حیوان مباش؛ حذب خود را بپالای! اگر نوشیدی، از هشت و نود فرامین هنر بنوش، اگر عشق می ورزی، با موشکافی جلو برو؛ و اگر هر کاری را با لذت انجام می دهی، بگذار در آن باریک بینی وجود داشته باشد!
71. But exceed! exceed!  
۷۱. ولی پیش رو! پیش رو!
72. Strive ever to more! and if thou art truly mine - and doubt it not, and if thou art ever joyous! - death is the crown of all.  
۷۲. همواره برای بیشتر بکوش! و اگر حقیقتاً مال منی - و در آن شکی نداری، و همیشه شادی! - مرگ تاج همه است.
73. Ah! Ah! Death! Death! thou shalt long for death. Death is forbidden, o man, unto thee.  
۷۳. آه! آه! مرگ! مرگ! باید برای مرگ اشتیاق داشته باشی. مرگ ممنوع است، این مرد، بر تو.

74. The length of thy longing shall be the strength of its glory, He that lives long & desires death much is ever the King among the Kings.

۷۴. مدت اشتیاق تو قدرت درخشش آن خواهد بود، او که زیاد می زید و بسیار مرگ می خواهد همواره شاه شاهان است.

75. Aye! listen to the numbers and the words:

۷۵. آری! به اعداد و کلمات گوش فراد ده:

76. 4 6 3 8 A B K 2 4 A L G M O R 3 Y X 24 89 R P S T O V A L. What meaneth this, o prophet? Thou knowest not; nor shalt thou know ever. There cometh one to follow thee: he shall expound it. But remember, o chosen one, to be me; to follow the Love of Nu in the star-lit heaven; to look forth upon men, to tell them this glad word.

۷۶. الف ب ک ۴ ۲ الف ل ج م ع ر ۳ ی س ۲۴ ۸۹ ر ف غ ت ع ظ الف ل. <sup>۱</sup> این چه معنی می دهد، ای پیغامبر؟ تو نمی دانی؛ هرگز نخواهی دانست. یکی می آید که دنبال راه توست: او این را تفسیر خواهد کرد. ولی به یاد داشته باش، ای برگزیده، که از من باشی؛ که عشق تو را در بهشت اختر افروز دنبال کنی؛ که بر مردمان نظر داشته باشی، که به آنان این کلمه سرور را بگویی.

77. O be thou proud and mighty among men!

۷۷. او در میان مردم سربلند و قادر باش!

78. Lift up thyself! for there is none like unto thee among men or among Gods! Lift up thyself, o my prophet, thy stature shall surpass the stars. They shall worship thy name, foursquare, mystic, wonderful, the number of the man; and the name of thy house 418,

79. The end of the hiding of Hadit; and blessing & worship to the prophet of the lovely Star!

۷۸. خود را بلند کن! چرا که فردی مثل تو در میان مردمان و خدایان وجود ندارد! خود را بلند کن، ای پیغامبرم، قامت تو از ستارگان فراتر خواهد رفت. آنان نام تو و عدد چهاروجهی، رمزی، شگرف انسان و عدد منزلگاه تو، ۴۱۸ را ستایش خواهند کرد،

۷۹. پایان خفای هدیت؛ و رحمت و ستایش باد بر پیغامبر ستاره دوست داشتنی!

<sup>1</sup> این تبدیل با مطابقت ستون های LI و LII در کتاب Liber 777 نوشته Aleister Crowley انجام شده است. م.

## فصل سوم

1. Abrahadabra; the Reward of Ra Hoor Khut.  
۱. آبراهادابرا؛ پاداش را هور خوت.
2. There is division hither homeward; there is a word not known. Spelling is defunct; all is not aught. Beware! Hold! Raise the spell of Ra-Hoor-Khuit!  
۲. در اینجا بخشی به سوی خانه وجود دارد؛ کلمه ای هست ناشناخته. تلفظ مرده است؛ همه چیزی نیست. آگاه باش! تاب آر! تلفظ را-هور-خوت را بیدار کن!
3. Now let it first be understood that I am a god of War and of Vengeance. I shall deal hardly with them.  
۳. حال بگذار در ابتدا دانسته شود که من خدای جنگ و انتقام هستم. به زودی به آنها خواهم پرداخت.
4. Choose ye an island!  
۴. برای خود جزیره ای برگزین!
5. Fortify it!  
۵. از آن پاسداری کن!
6. Dung it about with enginery of war!  
۶. به آن با ماشین جنگ کود بده!
7. I will give you a war-engine.  
۷. به تو یک ماشین جنگ خواهم داد.
8. With it ye shall smite the peoples; and none shall stand before you.  
۸. با آن بایست مردم را خرد کن، و کسی نباید در برابرت تاب آورد.
9. Lurk! Withdraw! Upon them! this is the Law of the Battle of Conquest; thus shall my worship be about my secret house.  
۹. کمین کن! بازپس گیر! بر آنان! این قانون پیکار پیروزی است؛ پس پرستش من باید در اطراف خانه سری من باشد.
10. Get the stele of revealing itself; set it in thy secret temple - and that temple is already aught disposed - & it shall be your Kiblah for ever.  
۱۰. خود لوح افشاء<sup>۱</sup> را برگزین، آن را در معبد سری خود قرار بده -
11. This shall be your only proof. I forbid argument. Conquer! That is enough. I will make easy to you the abstraction from the ill-ordered house in the Victorious City. Thou shalt thyself convey it with worship, o prophet, though thou likest it not. Thou shalt have danger & trouble. Ra-Hoor-Khu is with thee. Worship me with fire & blood; worship me with swords & with spears. Let the woman be girt with a sword before me: let blood flow to my name. Trample down the Heathen; be upon them, o warrior, I will give you of their flesh to eat!
12. Sacrifice cattle, little and big: after a child.
13. But not now.
14. Ye shall see that hour, o blessed Beast, and thou the Scarlet Concubine of his desire!
15. Ye shall be sad thereof.
16. Deem not too eagerly to catch the promises; fear not to undergo the curses. Ye, even ye, know not this meaning all.
17. Fear not at all; fear neither men nor Fates, nor gods, nor anything. Money fear not, nor laughter of the folk folly, nor any other power in heaven or upon the earth or under the earth. Nu is your refuge as Hadit your light; and I am the strength, force, vigour of your arms.

<sup>1</sup> stele of revealing. به ضمیمه ۱ مراجعه کنید.

18. Mercy let be off: damn them who pity! Kill and torture; spare not; be upon them!
19. That stele they shall call the Abomination of Desolation; count well its name, & it will be to you as 718.
20. Why? Because of the fall of Because, that he is not there again.
21. Set up my image in the East; thou shalt buy thee an image which I will show thee, especial, not unlike the one thou knowest. And it shall be suddenly easy for thee to do this.
22. The other images group around me to support me; let all be worshipped, for they shall cluster to exalt me. I am the visible object of worship; the others are secret; for the Beast & his Bride are they: and for the winners of the Ordeal x. What is this? Thou shalt know.
23. For perfume mix meal & honey & thick leavings of red wine: then oil of Abramelin and olive oil, and afterward soften and smooth down with rich fresh blood.
24. The best blood is of the moon, monthly: then the fresh blood of a child, or dropping from the host of heaven; then of enemies; then of the priest or of the worshippers: last of some beast, no matter what.
25. This burn: of this make cakes & eat unto me. This hath also another use; let it be laid before me, and kept thick with perfumes of your orison: it shall become full of beetles as it were and creeping things sacred unto me.
26. These slay, naming your enemies; & they shall fall before you.
27. Also these shall breed lust and the power of lust in you at the eating thereof.
28. Also ye shall be strong in war.
29. Moreover, be they long kept, it is better; for they swell with my force. All before me.
30. My altar is of open brass work: burn thereon in silver or gold!
31. There cometh a rich man from the West who shall pour his gold upon thee.
32. From gold forge steel!
33. Be ready to fly or to smite!
34. But your holy place shall be untouched throughout the centuries: though with fire and sword it be burnt down & shattered, yet an invisible house there standeth, and shall stand until the fall of the Great Equinox; when Hrumachis shall arise and the double-wanded one assume my throne and place. Another prophet shall arise, and bring fresh fever from the skies; another woman shall awake the lust & worship of the Snake; another soul of God and beast shall mingle in the globed priest; another sacrifice shall stain the tomb; another king shall reign; and blessing no longer be poured to the Hawk-headed mystical Lord!
35. The half of the word of Heru-ra-ha, called Hoor-pa-kraat and Ra-Hoor-Khu.
36. The said the prophet unto the God:
37. I adore thee in the song-
- I am the Lord of Thebes, and I  
 The inspired forth-speaker of Mentu;  
 For me unveils the veiled sky,  
 The self-slain Ankh-af-na-khonsu  
 Whose words are truth, I invoke, I greet  
 Thy presence, O Ra-Hoor-Khuit!  
 Unity uttermost showed!  
 I adore the might of thy breath,  
 Supreme and terrible God,

Who makest the gods and death  
 To tremble before Thee:-  
 I, I adore thee!  
 Appear on the throne of Ra!  
 Open the ways of the Khu!  
 Lighten the ways of the Ka!  
 The ways of the Khabs run through  
 To stir me or still me!  
 Aum! Let it fill me!

38. So that thy light is in me; & its red flame is as a sword in my hand to push thy order. There is a secret door that I shall make to establish thy way in all the quarters, (these are the adorations, as thou hast written), as it is said:

The light is mine; its rays consume  
 Me: I have made a secret door  
 Into the House of Ra and Tum  
 Of Khephra and of Ahathoor.  
 I am thy Theban, O Mentu,  
 The prophet Ankh-af-na-khonsu!  
 By Bes-na-Maut my breast I beat;  
 By wise Ta-Nech I weave my spell.  
 Show thy star-splendour, O Nuit!  
 Bid me within thine House to dwell,  
 O winged snake of light, Hadit!  
 Abide with me, Ra-Hoor-Khuit!

39. All this and a book to say how thou didst come hither and a reproduction of this ink and paper for ever - for in it is the word secret & not only in the English - and thy comment upon this the Book of the Law shall be printed beautifully in red ink and black upon beautiful paper made by hand; and to each man and woman that thou meetest, were it but to dine and drink at them, it is the Law to give. The they shall chance to abide in this bliss or no; it is no odds. Do this quickly!

40. But the work of the comment? That is easy; and Hadit burning in thy heart shall make swift and secure thy pen.

41. Establish at thy Kaaba a clerk-house: all must be done well and with business way.

42. The ordeals thou shalt oversee thyself, save only the blind ones. Refuse none, but thou shalt know and destroy the traitors. I am Ra-Hoor-Khuit; and I am powerful to protect my servant. Success is thy proof: argue not; convert not; talk not overmuch! Them that seek to entrap thee, to overthrow thee, them attack without pity or quarter; & destroy them utterly. Swift as a trodden serpent turn and strike! Be thou yet deadlier than he! Drag down their souls to awful torment: laugh at their fear: spit upon them!

43. Let the Scarlet Woman beware! If pity and compassion and tenderness visit her heart; if she leave my work to toy with old sweetesses; then shall my vengeance be known. I will slay me her child: I will alienate her heart; I will cast her out from men; as a shrinking and despised harlot shall she crawl through dusk wet streets, and die cold and an-hungred.

44. But let her raise herself in pride! Let her follow me in my way! Let her work the work

of wickedness! Let her kill her heart! Let her be loud and adulterous! Let her be covered with jewels, and rich garments, and let her be shameless before all men!

45. Then will I lift her to pinnacles of power: then will I breed from her a child mightier than all the kings of the earth. I will fill her with joy: with my force shall she see & strike at the worship of Nu: she shall achieve Hadit.

46. I am the warrior Lord of the Forties: the Eighties cower before me & are abased. I will

bring you to victory & joy: I will be at your arms at battle & ye shall delight to slay. Success is your proof, courage is your armour; go on, go on, in my strength; & ye shall turn not back for any!

47. This book shall be translated into all tongues: but always with the original in the writing of the Beast; for in the chance shape of the letters and their position to one another: in these are mysteries that no Beast shall divine. Let him not seek to try: but one cometh after him, whence I say not, who shall discover the Key of it all. Then this line drawn is a key: then this circle squared in its failure is a key also. And Abrahadabra. It shall be his child & that strangely. Let him not seek after this; for thereby alone can he fall from it.

48. Now this mystery of the letters is done, and I want to go on to the holier place.

49. I am in a secret fourfold word, the blasphemy against all gods of men.

50. Curse them! Curse them! Curse them!

51. With my Hawk's head I peck at the eyes of Jesus as he hangs upon the cross.

52. I flap my wings in the face of Mohammed & blind him.

53. With my claws I tear out the flesh of the Indian and the Buddhist, Mongol and Din.

54. Bahlasti! Ompehda! I spit on your crapulous creeds.

55. Let Mary inviolate be torn upon wheels: for her sake let all chaste women be utterly despised among you!

56. Also for beauty's sake and loves!

57. Despise also all cowards; professional soldiers who dare not fight, but play; all fools despise!

58. But the keen and the proud, the royal and the lofty; ye are brothers.

59. As brothers fight ye!

60. There is no law beyond Do what thou wilt.

61. There is an end of the word of the God enthroned in Ra's seat, lightening the girders of the soul.

62. To Me do you reverence! to me come ye through tribulation of ordeal which is bliss.

63. The fool readeth this Book of the Law, and its comment; & he understandeth it not.

64. Let him come through the first ordeal, & it will be to him as silver.

65. Through the second, gold.

66. Through the third, stones of precious water.

67. Through the fourth, ultimate sparks of the intimate fire.

68. Yet to all it shall seem beautiful. Its enemies who say not so, are mere liars.

69. There is success.

70. I am the Hawk-Headed Lord of Silence & of Strength; my nemyss shrouds the nightblue sky.

71. Hail! ye twin warriors about the pillars of the world! for your time is nigh at hand.



72. I am the Lord of the Double Wand of Power; the wand of the force of Coph Nia - but my left hand is empty, for I have crushed an Universe & nought remains.

73. Paste the sheets from right to left and from top to bottom: then behold!

74. There is a splendour in my name hidden and glorious, as the sun of midnight is ever the sun.

75. The ending of the words is the Word Abrahadabra.

The Book of the Law is Written

and Concealed. Aum. Ha.

## ضمیمه ۱ - لوح افشاء



لوح افشاء (که به آن لوح ۶۶۶ نیز می‌گویند) بوسیله آلیستر کراولی و همسرش رز در موزه بولاک<sup>۱</sup> در ۱۸ مارس ۱۹۰۴ قاهره پیدا شد. رز دو روز قبل از آن پیغام «آنان منتظر تو هستند» را دریافت می‌کرد که ادعا می‌کرد این پیغام از هورس<sup>۲</sup> است. وقتی آلیستر او را به موزه برد تا گوینده پیغام را به او نشان دهد، او در نهایت روی این لوح ساده مراسم تدفین متوقف شد. چیزی که کروالی را تکان داد این بود که آن بدون شک نشان دهنده هورس بود و شماره تابلوی نمایشگاه بالای آن ۶۶۶ بود، شماره ای که او قویا خود را با آن می‌شناخت. کشف لوح افشاء قدم مهمی در وقایعی بود که منجر به نوشتن کتاب شریعت شد.

لوح افشاء بوسیله یک موبد مصری خدای منتو<sup>۳</sup> به نام انخ-ف-ن-خنسو (یعنی او در خنسو زندگی می‌کند) درست شده بود، که در سلسله بیست و ششم (حدود ۷۲۵ ق.م.) در تبس زندگی می‌کرد. این یک لوح تدفین است که برای مراسم مرگ وی درست شده بود. چوبی است، پوشیده از گچ است و در دو طرف آن نقاشی شده است. بالای آن به صورت مدور درست شده و ابعاد آن ۵۱/۵ در ۳۱ سانتی متر است.

## روی لوح

روی لوح شامل اشکال زیر است:

نوت: به صورت خمیده در بالای لوح وجود دارد. او الهه آسمان شب است.

هدیت: صفحه گرد بالدار، که در کتیبه با عبارت «خدای بزرگ، سرور آسمان» اشاره شده است.

هورس: خدای خورشیدی قوش-سر، نشسته بر تختش. در کتیبه آمده: «را-هور-خوت، سالار خدایان»

انخ-ف-ن-خنسو در پیشگاه هورس ایستاده است. کتیبه در مورد او می‌گوید: «کشیش<sup>۴</sup> در گذشته منتو، سرور تبس، توجیه شده ای که در های آسمان بر او در کارناک باز هستند، انخ-ف-ن-خنسو.»  
در محراب، که شامل پیشکشی ها است، نان، شراب، احشام و ماکیان نشان داده شده است.

<sup>1</sup> Boulaq Museum

<sup>2</sup> Horus

<sup>3</sup> Mentu

<sup>4</sup> priest